



دیدگاه امام خمینی (ره) درباره احزاب

پروپاگاندا و مطالعات تربیتی

رسال جامع علوم انسانی

غلامرضا کر باسجی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آنچه می‌خوانید دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) دربارهٔ احزاب است که از تاریخ ۱۳۴۳ تا ۱۳۶۸ و به مناسبت‌های مختلف بیان کرده‌اند و ما آن را از مجموعه مجلدات مختلف صحیفه نور (جلد ۱ تا ۲۲) استخراج کرده‌ایم. آنچه در یک نگاه از سخنان حضرت امام (ره) می‌توان فهمید تأکید مکرر ایشان بر حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه است، لذا به نظر می‌رسد که از دیدگاه ایشان احزاب و سران آنها اگر در راستای حفظ وحدت ملی و با معیار قراردادن استراتژیک منافع ملی حرکت کنند و فعالیت نمایند با وجود تمام اختلاف سلیقه‌ها پدیدهٔ اجتماعی و سیاسی مثبتی هستند، لکن اگر فعالیت آنها بگونه‌ای باشد که به اهداف استراتژیک نظام، وحدت و منافع ملی آسیب برساند، وجود آنها نامطلوب و آثار منفی فراوانی بر آنها باراست. می‌توان گفت جمع‌بندی ذهنی آن بزرگوار نسبت به فعالیت‌های احزاب و گروه‌های سیاسی در گذشته (رژیم پهلوی و مشروطه) مثبت نبوده است، چرا که فعالیت اغلب آنها را منبعث از بیگانگان و مخالف وحدت و منافع ملی ایران تلقی می‌کرده‌اند؛ مانند حزب توده و انشعابات آن، حزب دموکرات، رستاخیز و غیره که نوعاً به منافع ملی نمی‌اندیشیدند. با این همه ضروری است که در نگاهی ژرف‌تر توجه کنیم که هر یک از سخنان رهبر فقید انقلاب دارای زمینهٔ تحلیل و تفسیرهای گوناگونی است که در جای خود باید به آنها پرداخته شود. اما در این جا تنها به نقل عین سخنان ایشان بسنده می‌کنیم و این نکته را یادآور می‌شویم که هنگام مطالعهٔ هر قسمت از سخنان حضرت امام (ره) می‌بایست به موقعیت زمانی و مکانی و شرایط ویژهٔ ایراد آن سخنرانی و مخاطبان آن توجه داشته باشیم چراکه بدون در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان در مورد سخنان امام قطعاً برداشتهای ناصوابی از آنها خواهیم داشت. انتخاب عنوانهای داخل کروش از ماست.

متن نظرات امام (ره) در باره احزاب

احزاب بی ریشه^(۱)

و اما راجع به مملکت خودمان، اینکه با یک روز و دو روز نمی‌توانیم ما صحبتش را بکنیم بدبختی‌هایی که ما در مملکت خودمان داریم. دولت‌ها می‌آیند و می‌روند، هر دولتی هم می‌آید یک حزبی درست می‌کند، هر دولتی، شما از آن وقت تا حالا هر چه دیدید یکی حزب مردم درست می‌کند یک عده چه درست می‌کنند، یک حزب ایران نوین درست می‌کنند، یک حزب چه، می‌کند درست می‌کنند. اصلاً در ایران حزب معنا ندارد. در هیچ جای دنیا، مگر آنهایی که مثل ایران هستند مملکت یک حزبی اصلاً معنا ندارد. حزب زوری معنا ندارد. سجل‌های مردم را از دهات می‌گیرند، رجوع کنید به این دهات ببینید سجل‌هایشان را می‌گیرند نام‌نویسی می‌کنند در حزب این بیچاره نمی‌داند ایران نوین اصلاً یعنی چه، اطلاع از این ندارد، فرضاً از اینکه آن اساسنامه را بفهمد، اصلاً نمی‌فهمد این بیچاره اساسنامه چیست. این بیچاره‌ها را این بیدین‌ها می‌خواهند جمع کنند در یک محیطی زنده باد بگویند فقط همین. از این جمعیت بدبخت بیچاره این معنا را می‌خواهند که اجتماع کنند، یک اجتماع انبوهی از جمعیت‌ها بشوند، بعد دنبال اینها را بیفتند و برایشان هورا بکشند و زنده باد بگویند...

حفظ وحدت کلمه یک تکلیف الهی است^(۲)

دنبال این مطلب آن چیزی که مهم است این است که باید تمام جناح‌ها، تمام جناح‌هایی که در ایران هست، از جناح مرجعیت و علمیت تا جناح ارتش، تا جناح بازاری، تا فرهنگستانی، تا دبیرستانی، تا دانشگاهی، تا بیابان نشین‌ها، تا کوخ نشین‌ها، تمام اینها باید تفکر کنند و مورد تفکر خودشان قرار بدهند و سران قوم باید روابط داشته باشند با هم، متفرق نباید باشند، امروز روزی نیست که شماها با تفرقه کار انجام بدهید، اگر چنانچه تفرقه داشته باشید تا آخر همین هستید و از همین بدتر. تکلیف الهی است، تکلیف الهی است باید با هم باشید، باید این جناح‌ها روابط زیرزمینی با هم داشته باشند بزرگان‌شان، باید آشکارا نباشد، زیرزمینی باشد روابطشان، اما روابط داشته باشند که اگر

۱- صحیفه نورا، ج ۱، ص ۹۳ تاریخ ۱۳۴۳/۶/۱۸

۲- صحیفه نورا، ج ۲، تاریخ ۵۷/۳/۱۰

یک وقتی بنا شد صحبت کنند، همه صحبت کنند، اگر یک وقتی بنا شد که چنین کنند، همه چنین کنند، اگر یک وقتی بنا شد ساکت باشند، همه ساکت باشند، دست واحد باشند، نه متفرقات که یکی حزب بخواهد درست کند، آن یکی مثلاً فرض کنید چه درست کند، این صحیح نیست، ما همه باید یک واحد باشیم، مسلمین باید یک واحد باشند، اگر مسلمین یک واحد باشند کسی نمی تواند مقابل این جمعیت قیام کند، هیچ غلطی نمی توانند بکنند، نه اینها. ممالک دیگر هم غلطی نمی توانند بکنند اگر اینها یک واحد باشند.

همه مکلفیم که بر ضد شاه قیام کنیم

لکن آنها تفرقه می اندازند و ما هم باور می کنیم. باید این باورها را کنار گذاشت باید این ظاهر الصلاح بودن اینها را کنار گذاشت، باید این سالوسی که هر سال یک دفعه یا دو دفعه به مشهد می رود و مقابل حضرت می ایستد و (باید دید حضرت چه می گوید به این آدم، خدا می داند اگر حضرت زنده بود او را راهش نمی داد، مگر می شود این فاسد و فاجر را حضرت رضا (علیه السلام) راه بدهد؟ یک آدم قاتل جانی را راه بدهد؟ لکن حالا ایشان که نیستند) یک آخوندی هم می برند تعریف می کند و هیاهو می کند و اینها که مردم همه به اعلی حضرت چه دارند و فلان و خودش هم رفته در یک جای دیگر بین چه کرده. چه حرفهایی!

باید روابط باشد، باید کارهای شما روی روابط و ضوابط باشد، باید روی یک برنامه باشد کارهای مسلمین، باید احزاب با هم دست به هم بدهند، این حزب کذا و آن حزب کذا، آن حزب کذا، هر که برای خودش کار بکند، نباشد، باید انگشت روی جانی بگذارند اگر می شود به صراحت، اگر نمی شود با تلویح و اگر هم نمی شود جنایت را به کسی دیگر متوجه نکنند، همین بگویند جنایت هست...

استعمار، عامل ایجاد احزاب مختلف در ایرلن^(۱)

تأسف دیگری که بیشتر از این است، این است که در عین حال که شاه و طرفدارهای شاه تشبثات زیاد می کنند و به هر چیز می توانند متوسل می شوند برای نجات، مع الاسف در بین جناح مقابل که

جناح خلق و اسلام است می بینیم که بعضی اختلافات ایجاد می شود. من حالا باید عرض کنم که اصل این احزابی که در ایران از صدر مشروطیت پیدا شده است، آنکه انسان می فهمد این است که این احزاب ندانسته به دست دیگران پیدا شده است و خدمت به دیگران بعضی از آنها کرده اند من اینطور احتمال می دهم که در سایر ممالک که آنوقت مهم انگلستان بوده است، آنها یک احزابی درست کردند برای به دام انداختن ممالک عقب افتاده و ممالکی که از آن ها استفاده می خواستند بکنند. احزاب در آنجا اینطور نبوده است که دو حزب مثلاً با هم، به حسب واقع یک اختلافی بکنند و یکی از آنها به نفع دولتشان یا مملکتشان، یکی آنها به خلاف او یک چیزی بگوید، لکن احزاب را به نظر می رسد که درست کرده اند برای اینکه دیگران هم به آنها اقتداء کنند در درست کردن احزاب.

در ممالک ما و خصوصاً در مملکت ایران، از اول که احزاب درست شده است، اینها هر جمعیتی یک حزبی درست کردند و دشمن با احزاب دیگر، یک صحنه مبارزه بین احزاب و این از باب این بوده است که چون خارجی ها می خواستند از اختلاف ملت ها، از اختلاف توده های مردم استفاده کنند یکی از راه هایی که موجب این می شود که اختلاف پیدا بشود و مردم با هم در یک مسائلی مجتمع نشوند، قضیه احزاب بوده است. حزب درست می کردند. این حزب، حزب مثلاً دموکرات، این حزب، حزب توده، آن حزب، حزب چه، عدالت، نمی دانم چه (در آن وقت ها یک اسماء دیگر داشت، کم کم اسماء هم اروپائی شده) اینها در ممالک خودشان یک چیزی درست می کنند، صورت است. واقعیت ندارد، به واسطه آن صورت ممالک دیگر را به دام می اندازند که آنها وقتی که احزاب درست می کنند واقعاً با هم دشمن می شوند حزب کذا با حزب کذا اینها با هم دشمن هستند و تمام عمر خودشان را صرف می کنند در دشمنی کردن با هم وقتی بنا شد که آن اشخاصی که مؤثر هستند، آن اشخاصی که امید این هست که مملکت به واسطه آنها اصلاح بشود. اینها تمام قوایشان را صرف کنند در اینکه خودشان به جان هم بیفتند، دعوا کنند خودشان با هم، تمام نوشته هایشان بر ضد هم، تمام چیز، هر کدام دیگری را رد کنند، هر کدام دیگری را طرد کند و اینها یا بعضی آنها دانسته این کارها را می کردند و از عمال ابتدائی خارجی ها بودند و بعضی آنها هم ملتفت قضیه نبودند که دارند آنها را می کشند به یک راهی که مخالف با مصلحت کشور خودشان است.

اساساً باب احزاب از اول که پیدا شده است و اینها با هم جنگ و نزاع کردند به نظر می رسد که با دست دیگران برای اینکه اینها با هم مجتمع نشوند و آنها از اجتماع یک توده ای می ترسند، از این

جهت به واسطه اینکه اینها مجتمع با هم نشوند و مربوط با هم نباشند، این امر را کردند و خودشان هم یک چیزی، صورتی اینجا درست کردند که اینها ببینند که مثلاً در مجلس انگلستان حزب کارگر داریم و حزب مثلاً کذا، خوب ما هم خوبست داشته باشیم. اما آنها یک جور دیگر فکر می‌کنند اینها اینکه از آنها اخذ می‌کنند، یک جور دیگری فکر می‌کنند، اینها وقتی که با هم دو حزب تشکیل دادند، دو جبهه مخالف و دو جبهه دشمن تشکیل می‌دهند، این دشمن اوست، او هم دشمن اوست و آنها استفاده‌اش را می‌کنند آنها بازی می‌دهند اینها را که: «البته مملکت متمذّن باید حزب داشته باشد، احزاب داشته باشد» خوب پس ما هم باید احزاب داشته باشیم اما احزابی که ما درست می‌کنیم اینطوری است که این حزب با آن حزب تمام عمرش را صرف می‌کند در اینکه این او را بکوبد و او این را بکوبد.

لزوم حفظ وحدت جناح‌های مختلف خارج کشور

از اول اینطوری زائیده شد احزاب در ایران، به حسب نظر من، حالا هم که به صورت‌های دیگری در آمده است، حالا هم انسان می‌بیند که اینها باز با هم همین طور دشمنی می‌کنند و مخالفت می‌کنند و این را هم من احتمال این را می‌دهم که یک دستی از خارج در کار باشد. همین دیشب دو سه نفر، چند نفری که از یک جانی آمده بودند، شکایت از این می‌کردند که در فلان جا که ما هستیم دستجات با هم مخالفند، این از او بدگوئی می‌کند، او از او بدگوئی می‌کند و این موجب تأسف است که شمائی که یک جمعیتی هستید در خارج، یک ثروتی هستید از مملکت ما در خارج و باید اسلام، کشور شما از شما استفاده کند، فردا که وارد در کشورتان می‌شوید باید استفاده بدهید به کشور، کشور خودتان را آباد کنید الآن با هم در اینجا به جنگ و گریز هستید و به قول آن شخص هر فردی که از ایران وارد می‌شود در مثلاً فرودگاه یک دسته‌ای می‌روند او را می‌برند، می‌برند او را و بر ضد دیگری تبلیغات می‌کنند تا او را بکشند به طرف خودشان.

شما می‌دانید دارید چه می‌کنید؟ می‌دانید دارید چه ضرری به خودتان و به کشور خودتان می‌رسانید؟ شما می‌بینید که الآن در ایران که یک وحدت کلمه فی‌الجمله پیدا شده است، چطور لرزانده است همه تخت‌ها و تاج‌ها را و همه ابرقدرت‌ها را، همه به دست و پا افتاده‌اند؟ این را می‌بینید؟ می‌بینید که الآن در ایران که جناح‌ها با هم نزدیک شدند، یک قدری دانشگاه با روحانیت

نزدیک شده روحانیت با دانشگاه نزدیک شده است، بازار با دانشگاه و با روحانیت یکی شده‌اند (در صورتی که باز اختلافات فی الجمله‌ای هست و بعد عرض می‌کنم). شما می‌بینید که الآن یک وحدت فی الجمله‌ای که در ایران پیدا شده است، آمریکارا آنجا متزلزل کرده و شوروی را آنجا متزلزل کرده و این قلدرها هم در خود شهر، در خود ایران، به دست و پا افتاده‌اند و همین آدمکشی‌ها و همین تشبثاتی که این مردم می‌کند برای همین است که می‌بیند که مردم با هم مجتمع شده‌اند و: «چه بکنیم که این اجتماع رفع بشود، چه بکنیم که به هم بزیم این را».

شما بدانید که این کارهایی را که می‌کنید یا از دست غیر دارید، اتباع از غیر می‌کنید و دیگران شما را وادار می‌کنند به اینطور کارها، برای اینکه این وحدتی که الآن در ایران پیدا شده، در این جناح‌های خارجی که اینها هم اشخاص مؤثری هستند، در خارج هستند، در اینها هم اگر یک وحدتی پیدا بشود، ضرر زیاد می‌شود برای خارج، دنبال این افتادند که جناح داخل را به یک جور با هم مخالف کنند، جناح خارج را هم به یک جور با هم مخالف کنند، اینها را هم با آنها با یک جور دیگر مخالف کنند. شما می‌دانید که دارید به نفع دیگران فعالیت می‌کنید خودتان متوجه نیستید؟ می‌دانید که این مخالفت امروز در یک وضعی که ایران واقع شده است، در یک وضع حساسی که بین موت و حیات الآن ایران واقع شده، این مخالفت‌های شما با هم، چه ضرری به این نهضت اسلامی ایران می‌زند؟ اگر شما با هم اجتماع کنید، این جبهه‌های مختلفی که دارید، هر ده تای شما، صدتای شما با هم جمع شدید، یک اسمی روی آن گذاشتید، این اسم‌ها را کنار بگذارید و همه با هم بشوید و یک اسم داشته باشید و اتفاق کلمه داشته باشید، این همانطوری که می‌بینید، ایران متزلزل کرده است این ابرقدرت‌ها را، این قدرت شما هم در خارج به ایران منضم می‌شود و بیشتر آنها متزلزل می‌شوند لکن آنها از شما می‌خواهند الآن استفاده کنند، استفاده از شما این است که شما را به جان هم بیندازند، این کی است؟ جبهه ملی، آن کی است؟ نهضت آزادی، آن کی است؟ جوانان چه، آن کی است؟ گروه کذا، آن کی است؟ گروه کذا، گروه‌های مختلف، متعدّد که پیش هر کس که بروی از دیگری تکذیب می‌کنند،...

حزب فراگیر ملت مسلمانان ایران^(۱)

مصاحبه با روزنامه تمپو از اندونزی

س: با کدام یک از جناحهای مخالفین، خود را نزدیکتر می‌دانید؟

ج: شعارها و خواسته‌های نهضت اسلامی ایران آنچنان مورد قبول اکثریت قاضع ملت است که هیچ جناحی که به جز این خواسته‌ها چیزی مخالف آنها بگوید در میان ملت جایی ندارد. نهضت ملت ایران حدود چهار چوبهای حزبی را در هم شکسته است و به صورت یک حزب در آمده است و آن حزب ملت مسلمان ایران یعنی حزب اسلام و حزب الله است. در مبارزات ایران کسی جرأت نمی‌کند از ملت دور باشد. من هم یکی از افراد ملت هستم.

احزاب در صدر مشروطه^(۱)

... دعوت‌های اجانب کردند، چه خودشان مستقیماً چه به وسیله عمالشان در این بلاد، دعوت‌های بر ضد ادیان، بر ضد اسلام، بر ضد روحانیت اسلام، جدا کردند مسلمین را، بعضی را از بعضی، ایجاد احزاب مختلفه از صدر مشروطیت به این طرف تمام برای تفرقه بود و تمام برای این بود که مسلمین با هم مجتمع نباشند. ایجاد تفرقه بین مذاهب، مذاهب مسلمین برای همین مقصد بود که اینها از هم جدا باشند و نتوانند برای اسلام و به نفع اسلام کاری بکنند. این کارها در طول مدت بیش از ۳۰۰ سال انجام گرفته است.

پراکنده ساختن ملتها^(۲)

از کارهای دیگری که کردند این است که بین طوائف با هم مقابله می‌اندازند که نخواهند مجتمع باشند، ترسیدند که اگر اسلام شد همه مجتمع می‌شوند، اسلام را خواسته‌اند بزنند اگر علما و روحانیون باشند، همه را تحت یک بیرق می‌برند، علما را باید از بین ببرند. خوب حالا به اینقدر هم کفایت نکرد، بین خود مردم جدائی بیندازند با تبلیغات کردستان، بلوچستان، بختیاری، خراسان، در داخل ایران، پاکستان و ایران، آن علیحده این علیحده، نمی‌دانم ممالک عربی، بحرین، نمی‌دانم کذا و کذا هر کدام علیحده اینها را از هم جدا کردند، تکه تکه کردند. مسلمین را از هم جدا کردند، تکه تکه کردند. در این جنگ عمومی که غلبه پیدا کردند آنها علیه عثمانی که یک دولت بسیار بزرگی بود و از مصر تا حجاز تا خیلی جاهای دیگر بود این را تکه تکه کردند و هر جایش را به یک کسی دادند، به یکی از نوکرهای خودشان (یعنی خارجی‌ها) اداره‌شان بکنند. این حکومت‌ها را مقابل هم قرار

۱- صحیفه نور: ج ۵ ص ۱۷۲

۲- صحیفه نور: ج ۶ تاریخ ۵۸/۲/۲۹

دادند، سلطان کذا و سلطان کذا، رئیس جمهور کذا و رئیس جمهور کذا، همه را مقابل هم قرار دادند، همه را دشمن هم کردند، این دشمن آن و آن دشمن این. حالا کنار نشسته‌اند و بردند همه چیز ما را. اینها با هم دشمنی کردند خودشان با هم دشمنی کردند. در هر مملکتی هم احزاب درست کردند، حزب‌های مختلف، حزب‌هایی که همه مخالف هم هستند، این آن را بگوید و آن این را بگوید، جبهه‌های مختلف، حزب‌های مختلف. من حیث لایشر هم و مسلمین مع الاسف و به واسطه عدم توجه به عمق مسائل تحت تاثیر واقع شده و می‌شوند. دولت عراق علیحده و دولت ایران علیحده، هر دو مسلم اما با هم دعوا و جنگ دارند. دولت پاکستان علیحده، دولت کذا علیحده و همه‌شان مسلم اما با هم جنگ دارند، دعوا دارند.

محدودیت و آزادی احزاب^(۱)

... الان انقلاب اکبر که اینقدر وقت از آن گذشته باز روزنامه‌ای مردم ندارند، باز حزبی در کار نیست، یک حزب بیشتر نیست. اینها دارند برای آنها سینه می‌زنند. اگر در اینجا از یک حزب فاسد جلو بگیرند می‌گویند شد یک حزبی، شد رستاخیز. ما می‌خواهیم رستاخیز بشود، ما یک حزب را، یا چند حزب را که صحیح عمل می‌کنند می‌گذاریم عمل بکنند و باقی همه را ممنوع اعلام می‌کنیم و همه نوشته جاتی که اینها کرده‌اند و بر خلاف مسیر اسلام و مسیر مسلمین است، ما همه اینها را از بین خواهیم برد. ما بعد از اینکه فهمانیدیم به اینها که شماها دیکتاتور هستید، ما آزادیخواه بودیم و شما نگذاشتید، ما آزادی دادیم و شما نگذاشتید این آزادی باقی بماند، حالا که اینطور شد ما انقلابی با شما رفتار می‌کنیم، هر چه می‌خواهند روزنامه‌های خارج بنویسند، هر چه می‌خواهند توابع صهیونیست‌ها و امثال اینها هر چه دلشان می‌خواهد فریاد بزنند...

ضرورت تشکیل حزب مستضعفین^(۲)

من از ملت‌ها و دولت‌هایی که در این ندای اسلامی با ما موافقت کردند و لیبیک به ندای اسلام دادند تشکر می‌کنیم و سلامت و تأیید همه را از خداوند تعالی خواستاریم.
روز قدس یک روز اسلامی است و یک بسیج عمومی اسلامی بود و امیدوارم که این امر، مقدمه

۱- صحیفه نور: ج ۸ تاریخ ۵۸/۵/۲۷

۲- صحیفه نور ج ۸ تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۷

باشد از برای یک حزب مستضعفین بر تمام دنیا و من امیدوارم که یک حزب به اسم حزب مستضعفین در تمام دنیا بوجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند، و ندای اسلام را و وعده اسلام را که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است، و وراثت ارض برای مستضعفین است متحقق کنند. تاکنون مستضعفین متفرق بودند و با تفرقه، کاری انجام نمی‌گیرد. اکنون که نمونه‌ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یک سطح وسیع‌تری در تمام قشرهای انسان‌های تاریخ تحقق پیدا کند به اسم «حزب مستضعفین» که همان «حزب الله» است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین وارث ارض باید بشوند.

ما از جمیع مستضعفین عالم دعوت می‌کنیم که با هم در حزب مستضعفین وارد بشوند و مشکلات خودشان را با دستجمع و اراده مصمم عمومی رفع کنند و هر مسأله‌ای که در هر جا و در هر ملتی پیش می‌آید، به وسیله حزب مستضعفین رفع بشود.

لزوم تأسیس حزب مستضعفین به منظور برپا ساختن پرچم اسلام در سراسر دنیا^(۱)

من از خدای تبارک و تعالی مسألت می‌کنم که این عید را و همه اعیاد را بر همه مسلمین مبارک کند و همه با هم در کنار هم در همه جا، در همه جای عالم برای مصالح مسلمین اقدام کنند، برای گرفتاری‌هایی که ما در افغانستان داریم و آنها هم گرفتار به دست همین طایفه هستند که منافقین هستند، اظهار اسلام می‌کنند لکن منافق هستند و همین طور در قدس و نقاط دیگر مثل لبنان، مثل فلسطین که برادرهای ما گرفتار هستند و ابر قدرت‌ها با صهیونیسم موافقت می‌کنند و آنها را به آتش می‌کشند. مسلمین همه توجه داشتند باشند و در روز دعا، دعا کنند به اینها و در روز عمل، عمل کنند و من امیدوارم که ما بتوانیم پرچم اسلام را، پرچم جمهوری اسلام را در همه جای دنیا برپا کنیم و اسلام که حق همه است، از او تبعیت کنند، همه از او تبعیت کنند. و این نکته را باید تذکر بدهم که ما گفتیم حزبی به نام «حزب مستضعفین» در همه دنیا، معنایش این نبود که حزب‌های صحیحی که در ایران هست نباشد، حزب‌های منطقه‌ای علیحده است و حزب تمام مناطق و تمام جاها یک حزب

دیگر است. اگر انشاء الله مسلمین موفق بشوند و یک همچو حزبی که حزب مستضعفین است، برای همه جاها یک همچو حزبی را تأسیس کنند بسیار بموقع است لکن به معنای این نیست که در محل و در منطقه‌ها حزب نباشد، خیر، در منطقه‌ها احزاب هستند و آزاد هم هستند مادام که توطئه معلوم نشده است.

لهر روز اختلاف نیست^(۱)

اگر انسان متوجه شد به اینکه من حالا باید کارم چه جور باشد، حالا باید وضعم چه جور باشد، این متوجه این می‌شود که یک اختلافاتی پیدا بشود. امروز روز این کار نیست، امروز روز این است که ما از اختلافاتمان دست برداریم و آن چیزهایی که مربوط به حفظ وحدت‌مان هست و مربوط به مصالح کشور، امروز می‌دانید که ما را دارند تهدید می‌کنند به حصر اقتصادی، ما باید فکر بکنیم برای این کار، فکر این است که کشور مشغول کشاورزی بشوند، مشغول کشت بشوند. آنهایی که شلوغ کاری می‌کنند، در کشاورزی خرابکاری می‌کنند، آنها باید کنار بروند. به اسم‌های مختلف می‌روند نمی‌گذارند کشاورزها مشغول بشوند، آنها را باید خود مردم کنار بزنند و قوای انتظامی هم کنارشان بزنند. مردم با آسوده خاطر بودن مشغول زراعت بشوند. فردا اگر خدای نخواستہ جلو گرفتند، ما محتاج نشویم به خارج، اگر محتاج شدیم به خارج، همه مسائل برمی‌گردد، شکم گرسنه ایمان ندارد. اگر خدای نخواستہ اینها چنین کردند، ما احتیاج پیدا کردیم که گندم بدهد، این احتیاج اسباب این می‌شود که ما وابستگی سیاسی هم پیدا کنیم، وابستگی فرهنگی هم پیدا کنیم وابستگی نظام هم پیدا کنیم و همه چیزمان از دست برود و از یک چنین حالی نباید اختلافات را دامن زد، نباید آن بگوید من حزب کذا، آن بگوید من حزب کذا، نباید اینقدر حزب‌ها پیدا بشود، دو یست تا حزب پیدا بشود، اینقدر جمعیت‌ها پیدا بشود، باید همه‌شان با هم مجتمع برای نجات یک کشوری که همه در آن می‌خواهند زندگی بکنند، نجات به این است که جهت اقتصادیش را، هر که مشغول هر کاری هست خوب انجام بدهد تا جهت اقتصادی درست بشود کارخانه‌ها را راه بیندازند، کارخانه‌های خصوصی، بزرگ، کوچک، آنهایی که می‌آیند آشوب می‌کنند در کارخانه، بدانند که اینها مانع هستند، اینها نمی‌خواهند که این مملکت سرو سامان پیدا بکند، جلوشان را بگیرند و کشاورزها هم همین طور، هر کس مشغول هر کاری هست خوب انجام بدهد آن کار را.

انتقاد از حزب‌های مختلف^(۱)

هیچ وقت از نظامی نترسید، هیچ وقت از این حرفهائی که می‌زنند که ما مداخله نظامی می‌کنیم، از این هیچ وقت نترسید، بلکه آنوقت هم مداخله نظامی بکنند به نفع ماست. از حصر اقتصادی هم ابدا نترسید، نمی‌توانند، اگر برای اینکه خوب، روزیش از آسمان می‌رسد و می‌دهند به او کاری نمی‌کند، اگر ما را محاصره اقتصادی بکنند ما فعالت‌تر می‌شویم، به نفع ماست، بکنند ما را محاصره، از این هم هیچ نترسید از این دشمنی که آمده در داخل و ما را می‌خواهد از داخل فاسد کند، این ترس دارد که ما به جان هم بیفتیم، من شما را لعن کنم، خدای نخواستہ شما من را لعن کنید، و ملت را با صورت‌های مختلف، حزب‌های مختلف، جمعیت‌های مختلف - در عرض چند ماه قریب دویست تا جمعیت می‌گویند هست، جمعیت مختلف - این جمعیت‌های مختلف اگر همه وجهشان یک طرف بود، همه برای خدا بود، خوب، هر کسی می‌خواهد یک راهی، مثل یک کسی بقال است و توجه به خدا دارد، یک کسی ملاست و توجه به خدا دارد، اما احزابی که در ایران پیدا می‌شود، جمعیت‌هایی که در این طرف‌ها پیدا می‌شود، اینها «کل یلعن صاحبه» همه مخالفند با هم، آنها هم همین را می‌خواهند که از راه زیاد شدن احزاب، زیاد شدن اختلاف درست کنند. این راه احزاب که از آن راه پیش می‌آید، در قضایای دیگر هم همین حرف‌ها را پیش می‌آورند، این زیانش چیست، آن زیانش چیست، این باید چه جور باشد، آن باید چه جور باشد. تمام اینها نقشه است، این غائله‌هایی که یکی بعد از دیگری پیش می‌آورند، این نقشه‌هایی است که طرح‌ریزی شده است و به دست خود ماها انجام می‌گیرد که بین خود ماها را از هم جدا کنند، آن‌ها نتیجه‌اش را ببرند. و خدا همه ما را حفظ کند از اینطور اختلافات، از اینطور چیزها.

خداوند انشاء الله همه‌تان را تایید کند، موفق باشید، سلامت باشید و متشکرم از آقایان که اظهار لطف کردند و در این منزل حقیر وارد شدند.

انتقاد از تعداد احزاب^(۲)

من با خودم با گوشم شنیدم گفتم: انگلیسی‌ها نجف و قم را - انگلیسی‌ها - درست کردند. می‌خواستند وحدت کلمه‌ای که امکان داشت بین این دو قشر متفکر پیش بیاید نگذارند.

۱- صحیفه نور: ج ۱۱ تاریخ ۵۷۱۰/۱۰

۲- صحیفه نور: ج ۱۱ ص ۱۹۶ تاریخ ۵۷۱۰/۱۴

خدا خواست که در یک برهه از زمان، این دو قشر با هم شدند، هر دو یک قصد داشتند، هر دو یک مطلب داشتند.

و حالا باز همان قضایا می‌خواهند پیش بیاورند، باز دانشگاهی‌ها را از مدارس قدیمه جدا کنند، حزب‌ها پیش بیاورند و گروه‌های فراوان که همه با هم مختلف باشند و مع الاسف ملتفت نیستیم، عمق مسائل را نمی‌توانیم درک کنیم که در ظرف یک سال کمتر دویست تا گروه در یک مملکت پیدا شد و دویست تا حزب اظهار وجود کردند، این یعنی چه! این چه بوده، چیست اینطور می‌شود، دویست تا گروه در اینجا پیدا بشود، هر چه گروه‌ها هم زیادتر بشود اختلافات زیادتر می‌شود.

اصل حزب بازی را به نظر من که در صدر مشروطیت حزب را در ایران درست کردند، حزب بازی را برای همین درست کردند که نگذارند این ملت با هم آشتی کند. برای اینکه حزب را می‌دیدند که اینجا بنای اینها این است که وقتی این حزب شد حزب عدالت و این حزب شد حزب دموکرات که در صدر مشروطه بوده، اینها با هم دشمنند. این برای آن می‌زند، این برای او می‌زند، احزاب در خارج اینجور نیستند، اگر نمایش بدهند که اینجور هستند برای اینکه کلاه سر ما بگذارند، اگر نمایش بدهند که اینها اختلاف دارند، اختلاف اساسی ندارند، اینها کلاه سر ما می‌خواهند بگذارند تا ما اختلاف پیدا بکنیم، مثل یک بچه‌ای ما را حساب می‌کنند که یک توپ می‌اندازند میدان که سرگرم کنند مردم را.

اگر چنانچه از این اختلاف اندازها پیروی کنید مملکت شما به دلمن آمریکا می‌افتد^(۱)

و اما مطلب دیگری که مهم است و من کراراً تذکر داده‌ام و امروز هم تذکر می‌دهم این است که ما امروز در حال جنگ هستیم، در حال جنگ با ابر قدرت‌ها هستیم و اگر چنانچه ما که در حال جنگ هستیم و دشمن‌های ما می‌خواهند ملت ما را به اسارت بکشند و تمام سران را از بین ببرند، باید این ملت با هم اجتماع کنند و همان وحدتی که در اول انقلاب بود و نتیجه بزرگ آن را دیدید باز هم حفظ کنند. اینطور نباشد که گروه‌های مختلف، احزاب مختلف و اشخاص مختلف در یک موقعی که ما همه احتیاج به وحدت داریم، اختلاف ایجاد کنند، تشنج ایجاد کنند. البته آنهایی که می‌خواهند این نهضت را و این انقلاب را از بین ببرند و کشور ما را می‌خواهند به حال زمان طاغوت برگردانند آن

کنار نشستند و اشخاص که در داخل هستند، آنها را وادار به عمل هایی می کنند و نوشته هائی می کنند و گفتاری می کنند که در این انقلاب اختلاف واقع بشود و ملت های ما و ملت بزرگ ما طایفه های مختلف بشوند، یک طایفه به اسم یک گروه تظاهر کنند و یک طایفه به اسم یک گروه دیگر. این از اموری است که القاء شده است به اشخاص یا گروه ها و شاید خودشان هم مطلع نیستند، شیاطینی که در خارج نشستند و نقشه کشیدند برای نابودی همه ما خود ما را وادار می کنند که تیشه به ریشه خودمان بزنیم. اگر کسانی توجه به این معنا داشته باشند که در صدر مشروطیت که احزاب مختلف پیدا شد، دنبال آن پیروزی که ملت پیدا کرده بود، این احزاب مختلف به جان هم افتادند و این کشور را تباہ کردند، شما گمان نکنید که احزابی که در ممالک دیگری هست، در صدر مشروطیت در انگلستان بود آن احزاب و با همان کاری که آنها می کردند و حزب بازی می کردند ماها را به اختلاف می کشیدند و خود آنها با هم دشمنی نداشتند. هیچ حزبی بر ضد مصالح کشور خودش عمل نمی کرد، اگر با هم، هم اختلاف سلیقه یا اختلاف رویه داشتند، عاقلانه بود، با حساب بود، اینطور نبود که یک دسته دسته دیگر را آنچنان تضعیف کنند که کشورشان آسیب ببیند. مع الاسف همان احزابی که در آنجا بودند به ما نمایش می دادند که کشور باید احزاب داشته باشد و احزاب هم باید مخالف با هم باشند و ما را و احزاب ما را روبروی یکدیگر قرار می دادند و به ضرر هم صحبت می کردند و به ضرر هم قلم فرسائی می کردند و نتیجه این شد که به ضرر کشور بود. طرز احزاب در سایر کشورهای بزرگ و از قبیل شوروی (اگر باشد احزابی در آن) و در، از قبیل انگلستان، فرانسه، آمریکا، با وضع احزاب در مملکت امثال ما مختلف است. هیچ وقت نخواهید دید که دو حزب در آمریکا باشد که یکیشان یا هر دویشان بر خلاف مصلحت آمریکا عمل کنند. شما دیدید که در همین چند وقت، چند روز این مخالفتی که بین دو حزب در آمریکا بود و می خواستند یک دسته ای را یک نفر برای خودشان رئیس جمهور کنند آن دسته هم یکی دیگر را، بعد از آنکه آن یکی برد قضیه را و رئیس جمهور شد، آن حزب دیگر نیفتادند به جان او و کارشکنی کنند، تبریک گفتند و بلاشکال مشغول خدمت هستند برای کشور خودشان و با وحدت کلمه کشور خودشان را پیش می برند اما در ممالکی که توجه به مسائل ندارند و دیدهای سیاسی ندارند اینها اگر چنانچه گروه هائی درست کنند یا احزابی درست کنند، اینطور نیست که بعد از آنکه کاندید یک حزبی در یک امری پیش برد دیگران بیایند تبریک بگویند و کمک کنند او را، دیگران مخالفت می کنند و کارشکنی می کنند. باید این ملت بیدار

بشود، باید این سران و دولتمردان شَمّ سیاسی پیدا کنند، اینها شَمّ سیاسی ندارند، توجه به مسائل و مسائلی که برای حفظ این کشور است ندارند، اینها را اشخاصی که تعهد به اسلام ندارند، تحریک می‌کنند چه از خارج و چه از داخل و به جان هم می‌اندازند و بر خلاف مصالح کشور خودشان عمل می‌کنند. من نمی‌خواهم یک مثلی که معروف است بگویم لکن مثل ما نظیر همان مثل معروف است که ما را کشور ما را ملت ما را به اسارت می‌خواهند ببرند و خود ما کمک می‌کنیم به این اسارت خود ما به روی هم پنجه می‌اندازیم، خود ما جدیت می‌کنیم که مملکت خودمان را ضعیف کنیم، خود ما در جبهه بندی‌هایمان تضعیف روحیه‌های ارتش و روحیه‌های کارکنان و روحیه‌های کارمندان هست و این بزرگترین خطائی است که ما داریم، ما اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم و با هم در یک محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم، با تفاهم مسائل را حل کنیم، نه اینکه جبهه گیری کنیم، یکی یک طرف بایستد با دارو دسته خودش و یکی یک طرف بایستد با دارو دسته خودش و کوشش کنند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی. اینها برای این است که تعهد اسلامی نیست و دید سیاسی هم نیست. شماها اگر مسلم هستید، با احکام اسلام عمل کنید و اگر خدای نخواستہ تعهد اسلامی را قبول ندارید، با دید سیاسی مسائل را حل کنید و این کارها که انجام می‌گیرد و این قلم‌ها و این قدم‌ها و این گفتارها از سیاست به دور است و با یک دید غیر سیاسی و غیر اسلامی است. من به سراسر کشور، به سراسر ملت هشدار می‌دهم که اگر چنانچه از این اختلاف اندازها پیروی کنید، هر کس باشد مملکت شما به دامن آمریکا می‌افتد.

اگر چنانچه ملت اشخاصی را دید، گروه‌هایی را دید که بر خلاف مصالح کشور دارند جبهه گیری می‌کنند و این طایفه، آن طایفه را می‌کوبند و آن طایفه، آن طایفه را، تکلیف شرعی ملت این است که از آنها اعراض کنند و آنها را پذیرا نباشند. شماها توجه باید داشته باشید که آن ناطق یا آن قلمزن که دارد صحبت می‌کند، چه می‌گوید، کنی را تضعیف می‌کند، جز ملت خودش را؟ و جز ارگان‌های دیگر را؟...

لزوم عدم عضویت نیروهای نظامی و انتظامی در احزاب^(۱)

من عرض می‌کنم به همه این قوا و به فرماندهان این قوا که این افراد در هیچ یک از احزاب

سیاسی، در هیچ یک از گروه‌ها وارد نشوند. اگر ارتش یا سپاه پاسدار یا سایر قوای مسلحه در حزب وارد بشود، آن روز باید فاتحه آن ارتش را خواند. در حزب وارد نشوید در گروه‌ها وارد نشوید. اصلاً تکلیف الهی - شرعی همه شما این است که یا بروید حزب یا بیایید ارتش باشید مختارید، از ارتش کناره‌گیری کنید بروید در حزب، میل خودتان است اما هم ارتش و هم حزب، معنایش این است که ارتشی باید از ارتش‌اش دست بردارد، بازی‌های سیاسی باید توی ارتش هم وارد بشود. در هر گروهی که وارد هستید باید از آن گروه جدا بشوید، ولو یک گروهی است که بسیار مردم خوبی هم هستند، ولو یک حزبی است که بسیار حزب خوبی هست، لکن اصل حزب وارد شدن برای ارتش، برای سپاه پاسداران برای قوای نظامی و انتظامی وارد شدنش جایز نیست، به فساد می‌کشد اینها را. و من عرض می‌کنم که کسانی که در رأس ارتش هستند و کسانی که در رأس سپاه پاسداران هستند موظف هستند که ارتش را و سپاه را و سایر قوای مسلح را از احزاب کنار بزنند و اگر کسی در حزب هست، باید او را از ارتش بگویند یا در آنجا یا در اینجا، و همین طور سپاه پاسداران و همین طور سایر قوای مسلح باید وارد در جهات سیاسی نشوند تا انسجام پیدا بشود. اگر وارد بشوید بالاخره به هم خواهید زد خودتان را و بالاخره در مقابل هم خواهید ایستاد و نظام را به هم خواهید زد و اسلام را تضعیف خواهید کرد. تکلیف همه شما این است که با هم باشید بدون اینکه در یک حزب یا در گروهی وارد شده باشید، هر گروهی می‌خواهد باشد. گروه فاسد که انشاء الله وارد نمی‌شوید، گروه‌های بسیار خوب هم وارد نشوید، باید شما مستقل، بدون اینکه پیوند به یک گروهی داشته باشید مستقل باشید و از حزب الله تعالی شأنه. همه افراد ایران موظفند که با هم باشند. اگر احزاب هستند، خودشان را با سایر افراد کشور هماهنگ کنند، افراد کشور هم خودشان را با آنها برادر بدانند. گروه‌های مختلفی که اسلامی هستند، این گروه‌های اسلامی هم نباید دخالت در امور ارتش بکنند و نباید در آنجا افراد داشته باشند تا بتوانید یک عضو صالح و یک ارتش و سپاه پاسداران منسجم و صالح و قدرتمند باشید. ورود سیاست در ارتش شکست ارتش است. این را باید بدانید و شرعاً جایز نیست. و من امر می‌کنم به شما که یا در ارتش یا در حزب. دوم ندارد که بخواهید هم ارتشی باشید، هم حزبی؛ نمی‌شود، یا مثل سایر مردم هر طوری هستید.

منع شرکت نیروهای نظامی در احزاب^(۱)

... تمام قوای مسلح در جمهوری اسلامی برای مقصد واحد و هدف معین کوشش می‌کنند و همه باید به منزله دست واحد علیه مخالفان و معاندان با اسلام و جمهوری اسلامی باشند. و بدانید که تا این وحدت و انسجام و این هدف عالی اسلامی پا برجاست کشور شما آسیب نخواهد دید. به برادران ارتش و پاسدار و ژاندارمری و شهربانی و بسیج و گروه‌های مسلح مردمی توصیه می‌کنم خود را چنانچه قرآن کریم امر فرموده با هم برادر بدانید و در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها چون برادران هم خط و همفکر و همصدا باشید که در این صورت می‌توانید از نیروهای معنوی و غیبی الهی برخوردار باشید و بر تمام مشکلات غلبه کنید. انشاء الله تعالی موفق و پیروز باشید. خداوند یار و نگهدار شما.

۳- از امور مهمی که باید نیروهای مسلح از آن پیروی کنند و اغماض از آن به هیچ وجه نمی‌توان کرد و باز هم تذکر داده‌ام آن است که هیچ یک از افراد نیروهای مسلح چه رده‌های بالا یا پائین در حزب و گروهی با هر اسم و عنوان نباید وارد شوند، هر چند آن حزب و گروه صدر صدر اسلامی و به جمهوری اسلامی وفادار باشند. و هر کس در یک حزب و گروه وارد شد باید ازارتش و سپاه و سایر قوای انتظامی و نظامی و قوای مسلح خارج شود. و فرماندهان و مسؤلان موظف هستند که هر کس در یکی از احزاب یا گروه‌های سیاسی یا دینی وارد شد به او تذکر دهند که از حزب و یا گروه‌ها و یا سازمان خارج شود و اگر تخلف کرد او را از ارتش یا دیگر قوای مسلح اخراج کنند و همه افراد موظفند چنین اشخاصی را به فرماندهان معرفی نمایند. و باید توجه داشته باشند که ورود قوای مسلح در احزاب و گروه‌ها و سازمان‌ها پایه قوای مسلح را متزلزل خواهد کرد و غفلت از این امر موجب پیگرد خواهد بود.

ویژگیهای حزب خدا: حزب الله^(۲)

بیانات امام خمینی در دیدار با نخست وزیر، رئیس مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای مرکزی و مسؤلان دفاتر حزب جمهوری اسلامی در سراسر کشور.

۱- صحیفه نور: ج ۱۶ تاریخ ۶۱/۱/۴۹

۲- صحیفه نور: ج ۱۷ تاویخ ۶۱/۱/۴۶

حزب الهی آن است که دعوت به خود نکند، دعوت به خدا کند

این هم از برکات انقلاب و نهضت اسلام است که با آقایانی که در اطراف هستند ملاقات می‌کنم و امیدوارم این اجتماعات و ملاقات‌ها مفید باشد. از اول عالم تا حال دو حزب بوده است: یکی حزب الهی و یکی حزب غیر الهی و شیطانی. و آثار هر یک هم جدا بوده است و آنی که مال‌الله بوده چون مقصد خدای تبارک و تعالی است، به سوی او و در راه مستقیم است و آن که بر خلاف این راه بوده که اکثریت هم با اینهاست، حزب‌های شیطانی هستند. از صدر عالم تا حالا، زمان رسول الله ﷺ هم بوده است و در زمان خودمان هم حزب رستاخیز را دیدید که مقصدشان معلوم بود. حزب‌های الهی، آثارش این است که روح خداست، یعنی کوشش آن این است که دعوت به خود نکند و دعوت به خدا بکند، دعوت به طبیعت نکند و دعوت به الوهیت و ملکوت بکند و این علامتی است که انسان خودش می‌تواند بفهمد که کجا می‌رود. آیا طرف حزب خدایی و خدا می‌رود و جزء حزب الله است یا طرف حزب‌های دیگر. انسان می‌تواند تشخیص بدهد که چکاره است، البته گاهی حجاب‌ها مانع می‌شود که انسان بفهمد چکاره است. آنها که در این راهند که راه پیدا کنند می‌توانند حجاب‌ها را پاره کنند و ببینند راه حزب الله را، از باب اینکه «حزب الله هم الغالبون» و حزب‌های دیگر هم که فرضاً مدتی بمانند و دست و پا بزنند، مغلوبند و آن چیزی که لازم است برای همه افراد بشر، این است که توجه کنند که خودشان را در حزب خدا وارد کنند. انبیا هم برای همین آمدند، یعنی اگر چنانچه جنگ می‌کردند برای خدا و اگر صلح می‌کردند، برای خدا و اگر دعوت می‌کردند برای خدا و هیچ یک از انبیا را سراغ نداریم که گوشه‌گیری کرده باشد. چوپان است، عصایش را برمی‌دارد و راه می‌افتد برای نجات مردم و فرعون. ولی فرعون نتوانست نجات پیدا کند. و اسلام است که راه افتاد با همین فقیرها و با همین مردم که در نظر اشخاص دیگر مردم پایین بودند و اشکال به پیغمبر می‌کردند که با تو یک دسته ارذل و مردم پست هستند. و امروز تمام خوبی‌هایی که در دنیا هست و تمام آثار خیر، اثر دعوت انبیاست. یعنی مردمی که دعوت انبیا را قبول کردند، آثار خیر گذاشتند و یک دسته هم که اعوجاج داشتند و آثار خیر گذاشتند، باز هم اینها از آثار انبیاست ...

اگر ایده حزبی چیزی غیر از خدا باشد آن حزب شیطان است.^(۱)

در هر صورت باید جامعه ما، روحانیون ما، روشنفکران ما و دانشمندان ما در فکر این باشند که این نعمت و فرصتی که خدا به ما داده است، طوری نشود که آن را شکر نکنیم. آقایان در هر جا که هستند، در حزب یا در خارج حزب باید کاری کنند که مردم را در صحنه نگه دارند. وقتی مردم با هم مجتمع شدند، آنوقت است که می توانند کاری انجام دهند و وقتی قطرات جمع شد سیل هم درست می شود. بنابراین ما باید دعوت بکنیم و دعوت ما به خود نباشد، دعوت به دنیا نباشد، دعوت به خدا باشد. وقتی دعوت به خدا شد و دنیا هم الهی شد، می شود آخرت و می شود ملکوت دنیا و فرقی ندارد ما بین اینجا و ملکوت و جبروت، همه اش جلوه ای است از خدا. آن چیزی که دنیا را بد می کند این است که انسان توجه کند به عالم پایین، در مقابل خدای تبارک و تعالی. و کسی که دنیا را دارد و خیرات و مبرات و زکات و خمس و همه اینها را می دهد، دنیایش بد نیست. و میزان حجم نیست، میزان، آن وضعیت روحی هر کس است و مبدأ همه خطرها برای انسان خود آدم است و مبدأ اصلاح هم از خود آدم باید شروع شود. و نمی شود که یک واعظی که خودش اصلاح نشده بتواند دیگران را اصلاح کند و آن واعظی می تواند موعظه کند که در باطنش هم موعظه شده باشد. و همین طور هر کس که می خواهد صحبت کند باید توجه کند که چه می خواهد بگوید، آیا در این چیز رضای خدا هست، آیا دعوت به خودش هست یا دعوت به خدا، بعد هم که صحبت کرد، بنشیند که آیا این صحبت برای این بود یا برای آن. این راهی است برای سیر انسان به خدا که مراقبت کند از خودش و بعد از مراقبت محاسبه نماید. اینطور نیست که حزب بد باشد یا هر حزبی خوب باشد. میزان، ایده حزب است و اگر ایده چیز دیگری باشد این حزب شیطان است، هر اسمی هم داشته باشد. بنابراین ما باید کوشش کنیم که حزیمان را حزب الله کنیم. خودمان را جزء حزب الله قرار دهیم. و من امیدوارم که آقایان موفق شوند در هر جا که هستند برای اسلام و برای خدا و برای رسیدن به مقصد الهی فعالیت کنند و اگر در بین خودشان دیدند که کسی انحراف دارد، به آقایان اطلاع دهند. من امیدوارم که خداوند تأیید کند که برای اسلام انشاء الله مفید واقع شوید.